سخنراني در ديدار با مسؤولان كشوري و لشكري و ميهمانان شركت كننده در كنفرانس وحدت‌اسلامي - 16 /مهر/ 1369

.بسم‌الله‌الرحمن‌الرحيم
من هم ميلاد با سعادت نبي معظم اسلام، حضرت محمد مصطفي (صلي‌الله عليه‌واله‌وسلم) و همچنين ولادت سلاله‌ي مطهر ايشان، حضرت صادق (عليه‌الصلاه والسلام) را به همه‌ي مسلمانان عالم و به ملت بزرگوار و عزيز ايران و به شما عزيزان حاضر در اين مجلس، تبريك عرض مي‌كنم.
نام مقدس پيامبر (ص) يكي از پرجاذبه‌ترين پديده‌هاي اسلامي براي كليه‌ي مسلمانان عالم است; چون مسأله، مسأله‌ي عاطفه و ايمان با هم است. لذا قوت عملكرد اين ياد و اين نام براي صحنه‌هاي مربوط به مسلمين، از بسياري از پديده‌هاي ديگر اسلامي كه فقط بر ايمان متكي است و عواطف در آن نقشي ندارد، بيشتر است. به همين خاطر، بعضي از متفكران بزرگ عالم اسلام، در دوره‌ي قبل از ما گفته‌اند كه محور وحدت مسلمين و اتحاد عملي آنها، مي‌تواند نام مقدس اين بزرگوار و ايمان به آن حضرت و ياد آن نبي معظم باشد. اين، حرف درستي است. خوشبختانه امسال اين مراسم، با اعلام رسمي تشكيل "مجمع‌التقريب بين‌المذاهب الاسلاميه" ـ كه برادران ما همت كردند و اين كار شروع شد و بايد ان‌شاءالله در جهت اهداف عاليه‌ي اسلام حركت كند ـ همراه است.
در مسأله‌ي وحدت، دو نقطه يا دو جهت‌گيري اساسي وجود دارد كه هر كدام به تنهايي، حايزاهميتند. وقتي ما شعار وحدت را مي‌دهيم، اين دو نكته‌ي اساسي بايد مورد توجه ما باشد و همينهاست كه براي زندگي عملي مسلمين، كارساز است:
يكي از اين دو نكته، عبارت از رفع اختلافات و تناقضها و درگيريها و تضادها و كارشكنيهاست كه از قرنها پيش تا امروز، ميان طوايف و فرق مسلمين وجود داشته است و هميشه هم اين تناقضها به ضرر مسلمين تمام شده است. اگر به تاريخ اسلام برگرديم، خواهيم ديد كه زمام و مبدأ همه و يا قسمت اعظم اين تعارضها و تناقضها، به دستگاههاي قدرت مادي برمي‌گردد. تاريخ اسلام را ملاحظه كنيد، خواهيد ديد كه از اختلافات اوليه ـ يعني مسأله‌ي خلق قرآن و امثال آن ـ تا بقيه‌ي اختلافهايي كه در طول زمان، بين فرق اسلامي ـ مخصوصا در زمانهاي بيشتري بين شيعه و سني ـ اتفاق افتاده است، تقريبا سر نخ اين اختلافات در تمام بلاد اسلامي، دست قدرتهاست. البته جهالتهاي عمومي و تعصبهاي غيرمتكي به منطق و تحريك احساسات يكديگر اثر دارد، اما اينها زمينه است و هيچكدام، آن حوادث خونين بزرگي را كه ما در تاريخ مشاهده مي‌كنيم، به وجود نمي‌آورد. آن حوادث بزرگ، به دستگاه ارباب قدرت برمي‌گردد كه از اين اختلاف، دنبال فايده‌يي مي‌گشتند. استعمار كه وارد كشورهاي اسلامي شد ـ بعضي مستقيم و بعضي غيرمستقيم ـ واضح شد كه او هم دنبال همين قضيه است.
رفتار بعضي از شخصيتهاي معروف اروپايي ـ چه سياسي و چه فرهنگي ـ خيلي عبرت‌انگيز است. به مصر كه مي‌رفتند، يك‌طور صحبت مي‌كردند; به باب عالي كشور عثماني كه مي‌رفتند، يك‌طور صحبت مي‌كردند; به ايران شيعي كه مي‌آمدند، طور ديگر صحبت مي‌كردند. هدفشان هم به‌هم‌ريختن نظام وحدت بود كه استعمار اروپا و سردمداران تمدن صنعتي، از آن مي‌ترسيدند; حق هم داشتند كه بترسند. كار خودشان را هم كردند و بين مسلمين، اختلاف عميق و عجيبي را به وجود آوردند.
وحدتي كه ما اعلام مي‌كنيم و شعار مي‌دهيم و به آن دلبسته هستيم و دنبال آن، حركت و كار مي‌كنيم، اولين نقطه‌اش بايد ناظر به رفع اين تعارضها و تناقضها و اختلافها و درگيريها باشد، كه خداي متعال به اين راضي است و مؤمنان و مخلصان و اولياء و عقلا، از آن خشنودند. بايد مقدمات و زمينه‌هاي اين كار فراهم بشود. اختلاف عقيدتي دارند، داشته باشند; اختلاف قومي دارند، داشته باشند; تغاير نژادي دارند، داشته باشند. اينها، مستلزم و مستوجب تنافس و تعارض و درگيري و جدال بين مسلمين نشود. بايد همه مخلصانه كار كنند. علماي بزرگ، متفكران، روشنفكران، نويسندگان، شعرا، هنرمندان، واقعا اين را واجب الهي بدانند. اين آيه‌ي شريفه‌ي قرآن: "واعتصموا

بحبل‌الله جميعا" و آيات ديگر، خطاب به ما و همه‌ي مسلمين در مقابل دشمنان اسلام است. به اين آيات عمل كنيم.
نكته‌ي دوم اين است كه اين وحدت بايد در خدمت و در جهت حاكميت اسلام باشد; والا پوچ و بي‌معني خواهد بود. اگر علماي اسلام قبول مي‌كنند كه قرآن فرموده است: "و ما ارسلنا من رسول الا ليطاع باذن‌الله"، پيامبر نيامد كه نصيحتي بكند، حرفي بزند، مردم هم كار خودشان را بكنند و به او هم احترامي بگذارند; آمد تا مورد اطاعت قرار بگيرد، جامعه و زندگي را هدايت كند، نظام را تشكيل بدهد و انسانها را به سمت اهداف زندگي درست پيش ببرد. اگر علماي اسلام قبول دارند كه قرآن كريم مي‌فرمايد: "لقد ارسلنا رسلنا بالبينات و انزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس بالقسط"، اقامه‌ي قسط و عدل و رفع ظلم و ايجاد زندگي صحيح براي بشر، هدف اديان است، پس بايد حركت به سمت حاكميت اسلام باشد و حاكميت اسلام در كشورها و جوامع اسلامي، امري ممكن است.
پانزده سال قبل، ترديد بود كه آيا اصلا حاكميت اسلام، ممكن است يا نه؟ انقلاب اسلامي، تشكيل نظام اسلامي در ايران، حركت حياتبخش و عظيم امام (رضوان‌الله‌تعالي‌عليه)، قدرتي كه آن مرد الهي و ملكوتي، در مقابل قدرتهاي مادي از خود نشان داد و ثابت كرد كه قدرت دين و معنويت، از قدرت ماديت و پول و سلاح بيشتر است، بايد ترديد را از ذهنها زدوده باشد. بله، تشكيل نظام اسلامي در اقطار عالم اسلامي، امري ممكن است.
البته جامعه‌ي اسلامي و حكومت اسلامي، دردسرهايي دارد. زندگي، دردسر دارد. زندگي بي‌دردسر در دنيا كه ممكن نيست. اين دردسر، بهاي چيست؟ اگر بهاي آزادي و استقلال و عزت و قرب به خدا و عمل به احكام و تعاليم اسلامي است، باشد. نظام جمهوري اسلامي، اين دوازده سال را با عزت و عظمت و قدرت ايستاد، مبارزه كرد و طبيعتا مشكلاتي هم داشت. كشورهايي هم بودند كه در ظل سنگين و ناميمون حكومت و نفوذ قدرتهاي خارجي زندگي كردند. مگر مردم آنها، كمتر از ملت ايران مشكل و دردسر داشتند؟ اگر بيشتر نداشتند، كمتر نداشتند. تازه در مقابل چه چيزي مشكلات داشتند؟ در مقابل اين‌كه امروز را به شب برسانند، شب را به صبح برسانند و زندگي روزمره و بي‌هدف و بي‌عزت و بي‌نور خود را سپري كنند. دردسرهاي جمهوري اسلامي، همان دردسرهايي است كه نبي مكرم اسلام (صلي‌الله‌عليه‌واله‌وسلم) در طول حكومت مبارك خود تحمل كرد. تبليغات و محاصره و تهاجم دشمن بود، ولي از اينها پيروز بيرون آمد; ما هم پيروز بيرون آمديم.
البته دشمنان نمي‌خواهند دست بردارند و به همين خاطر، اين سنگ‌پراني را مي‌كنند. اين حركتي است كه كاروان اسلام مي‌كند و از پشت سر، سنگي هم پرتاب مي‌كنند كه ساق پايي را هم مجروح خواهد كرد; ولي جلوي راه را نمي‌توانند بگيرند. در طول اين دوازده سال، دشمنان عليه ما تبليغ كردند; سعي نمودند كه چهره‌ي زشتي از اسلام و نظام جمهوري اسلامي نشان دهند; تلاش كردند كه چيزهايي را قلب كنند و مجعولاتي را در بين مردم دنيا منتشر نمايند; ولي واقعيتها غير از اينهاست. واقعيت، عبارت از يك كشور قوي مصمم بزرگ آباد رو به آبادي هرچه بيشتر و در زير سايه‌ي اسلام و به سمت عدل اسلامي و عزت و قدرت ناشي از اعلاي كلمه‌ي اسلام و مورد توجه و تعطف عامه‌ي مسلمين در اكناف عالم است. حالا دشمن تبليغي هم بكند، حرف بي‌ربطي هم بزند، تعرضي هم بكند، يك‌جا يك نيش اقتصادي يا سياسي هم بزند، چه تأثيري مي‌كند؟ دايم از اين كارها كردند، باز هم مي‌كنند.
دو نفر برادر در جمهوري اسلامي، سر قضيه‌يي با هم مجادله‌ي لفظي مي‌كنند كه خيلي چيز عادي است و نبودنش عجيب و مايه‌ي بهت و سوءظن است و ناشي از خمودگي خواهد بود. سر قضيه‌ي خبرگان، سر قضيه‌ي امور سياسي، سر قضيه‌ي امور اقتصادي، برادران در مجلس و در جاي ديگر مي‌ايستند، يكي اين مي‌گويد، يكي آن مي‌گويد. اختلاف نظر و مجادله، براي پيدا كردن حق است. گفتگو، براي روشن شدن راه است. هر كدام، نظر خودشان را بيان مي‌كنند. هيچ‌چيزي هم نيست، برادر هم هستند. هر كس هم كه مي‌خواهد امتحان كند، امتحان كند. اندك تعرضي به نظام جمهوري اسلامي بشود، همين برادراني كه سر قضيه‌يي با هم مجادله مي‌كنند، دست در دست هم، مشتها گره كرده، به استقبال خطر خواهند رفت، تا از اسلام و نظام اسلامي دفاع كنند.
همين مجادله و مناقشه‌ي برادرانه را ببينيد، راديوها جنجالي درست مي‌كنند كه حادثه‌ي مهمي درجريان است!! نخير، آن حادثه‌يي كه در ايران در جريان است، عبارت از تصميم قاطع ملت ايران به تعقيب اهداف نظام اسلامي

است; آن‌چناني كه امام عزيز ما ترسيم كرده‌اند. آن حادثه‌يي كه در ايران در حال انجام است، ان‌شاءالله حركت سريعتر و دقيقتر به سمت هدفهاي اسلامي است. آن حوادثي كه آنها و دلهاي كين‌ورز و مريض مي‌خواهند، از محيط اسلامي ما بحمدالله دور بوده و دور خواهد ماند. اينها دردسرهاي نظام اسلامي است; اينها چيزي نيست.
اگر در جوامع و كشورهاي اسلامي، علما و روشنفكران و متفكران و بزرگان و پيشگامان وحدت، جهت حركتشان به سمت حاكميت اسلام باشد، اين حركت، حركت موفقي است; والا اگر اين‌طور نباشد و در مقابل حاكميت طواغيت و كفار و حكومتهاي سرسپرده و بي‌عرضه، تابع و تسليم باشند، معلوم است كه وحدت تضميني نخواهد داشت. شما از اين طرف، شعار وحدت بدهيد، جوش بزنيد، غصه بخوريد; از آن طرف، پولهاي به ناحق بذل‌وخرج‌شده و يك عده آدم سست‌عنصر قلم‌به‌مزد نوكرصفت هم پيدا مي‌شوند و اندوخته‌هاي شما را به باد خواهند داد و رشته‌ها را پنبه خواهند كرد. اين "مجمع‌التقريب بين‌المذاهب الاسلاميه" كه ما اين‌جا درصدد هستيم و برادران ما همت كردند ـ و من از كساني كه همكاري كردند و خواهند كرد، صميمانه متشكرم ـ بايد زمينه‌هاي تقريب را در جنبه‌هاي اعتقادي، كلامي، فكري، فقهي، اصولي و علمي فراهم بكند; ليكن آن هدف اساسي بايد به ياد متفكران اسلام باشد. دشمنان اسلام، اين را نمي‌خواهند; اما آنچه كه خدا مي‌خواهد، آن خواهد شد. "والله غالب علي امره".
اميدواريم كه خداوند متعال آقايان را مشمول توفيق و رحمت و فضل خود قرار بدهد. ما را در راه اسلام و خدمت به اهداف اسلامي، توفيق ادامه‌ي راه بدهد. روح مقدس امام بزرگوارمان را از آنچه مي‌گذرد، شاد و خشنود بفرمايد و ما را مشمول دعا و رضاي ولي‌عصر (ارواحنافداه) قرار بدهد.
والسلام عليكم و رحمه‌الله و بركاته